

حافظ ، شمس الدین محمد - ۷۹۲ ق

{ دیوان }

دیوان حافظ / خطاط ، مسعود رنگساز ، قم ، انتشارات اسوه ۱۳۸۵

۴۳۱ ص .

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۰۰۵-۳

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

۱. تاریخ فارسی - قرن ۸ . الف . رنگ ساز ، مسعود ، خطاط . ب . عنوان .

۸ فا ۱/۳۲

R ۴۲۴

۱۱

۸۵-۴۷۷۰۰ م

کتابخانه ملی ایران

معلومات

از نسخه محمد روینی و دکتر قاسم غنی

خط : مسعود رنگساز

ناشر : انتشارات اسوه

چاپ ، صحافی : چاپخانه بزرگ ایران کریم

نوبت چاپ : یازدهم

سال نشر : بهار ۱۳۹۷

تیراژ : ۵۰۰۰ جلد

بهاء : ۱۵۰۰۰ تومان

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۰۰۵-۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فروشگاه و نمایشگاه دائمی تهران: خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، رویروی خیابان خارک، پلاک ۷۸۷

تلفن: ۶۶۴۱۸۰۹۹ و ۶۶۴۱۷۴۷ تا ۶۶۴۱۸۰۲۲

فروشگاه شماره (۲) قم: خیابان ارم، مقابل پاساژ قدس تلفن: ۳۷۷۴۱۲۸۲ تا ۳۷۷۳۷۶۰

فروشگاه شماره (۳) قم: پلرار معلم - مجتمع ناشران - پلاک ۳۰ تلفن: ۳۷۸۴۱۷۲۱ تا ۳۷۸۴۱۷۲۱

www.Osvehpub.com www.Osveh.ir

هو اجمیل

مقدمه

مش از ۶۳ سال از مرگ لیلان بغیب حافظ شیرازی می گذرد ولی او هنوز محبوب ترین و در عین حال
 شاخص ترین چهره غزل ناب پاری است، و دیوان غزلیات او نیز در شمار پرفروش ترین کتاب است.
 بری بی تردید این غزل‌های گلگشتی کوتاه در چند قلمرو موضوعی خواهیم داشت تا شیعگان شعرین
 شاعر آسمانی را غریب‌ناکه در رزمه ادبای پیشا زمانه او آشنا سازیم و با تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی
 و اجتماعی حاکم بر روزگار او بر دگر چهره غزل‌نما آمیزش را برداریم تا در این پاک این شاعر خاکی نهاد
 اخلاقی را از اتمام دین ستیزان اسلام کریم سبب سازیم و راز محفلت او را با زاهد کمال
 ریایی، عملی در باری و صوفیان گمراه یابیم تا سیمای ملکوتی حافظ را به تماشا بینیم
 باشد که بزرگانند کاری او که ریشه در صفت ای بلندی است و در پی بسیمیم.

الف: زندگی‌نامه حافظ

اگرچه اغلب مورخان شیراز را زادگاه حافظ دانسته اند و برخی مانند علامه امینی
 فخرالزمان قزوینی مؤلف تذکره میخانه از محله دروازه کازرون شهر شیراز یعنی از محلات
 او یاد کرده اند و برخی نیز محله شلمادان شیراز را محل اقامت بعدی او دانسته اند بنا به نوشته
 مؤلف شیرازنامه بعد از دروازه کازرون و شلمادان محله موردستان زمان کنونی
 سرسلسله زندیه به صورت یک محل درآمد در مجاورت درب شاهزاده قرار داشت و آن شهرچین
 در حافظ شیرین سخن این مطلب اشاره کرده است. تذکره نویسان سال تولد حافظ اختلاف نظر دارند

برخی بر این باورند که سال ولادت او قطعاً پیش از سال ۷۰۰ هـ. ق نبوده، و از نوشته برخی از مؤلفان برمی آید که تولد او در سال ۶۴۵ هـ. ق اتفاق افتاده است ولی اغلب محققان سال ۷۲۶ هـ. ق را بعنوان سال تولد حافظ برگزیده اند و این تاریخ را بقیعیت دیکتیمی اند که مطابق با سال ۲۵ سپتامبر در سال وفات حافظ نیز اختلاف نظر بسیار است و میزان عمر او را گاه ۴۶ سال و گاه کمتر از ۵۰ سال دانسته اند؛ ولی چون سالان غیب دوره حکمرانی شاه شجاع (۷۲۶-۷۸۶) حضور داشته و یک سال دیگر نیز از سلطنت شاه منصور در سال ۷۹۰ و ۷۹۱ درگذر کرده است، باید سال فوت او در سال ۷۹۱ هـ. ق طلوع است و اگر سال ۷۲۶ هـ. ق بزینا آمده باشد به هنگام وفات ۶۵ ساله بوده است.

ب: ملاقات حافظ

در این که سال ملاقات حافظ با سید مرتضی بوده و برای همیشه خود او نمیندرد و مورد بزرگان شاکر بوده است ندیدم خوشتر از شمس الدین که اندر سیننداری عشقت سده بفریاد، و ر خود به بر این طرز قرآن ز بر جوانی با چپارده ریت هفت تن از قاریان پر آوازه است کن کریم که به «قراءة سه» مشهور هر یک و راوی داشته اند که جمعا چهارده وایت می شود و حافظ در بیت فوق بهین سلب اشاره کردی که بدکه با تمامی این شایسته آشنا بوده است: اسامی اربعه و راویان آنها عبارتند از

۱= نافع بن عبد الرحمن مدنی، راوی اول و: قانون و راوی دوم او: ورس

۲= ابن کثیر مکی، راوی اول می: بنزی، و راوی دوم وی: قنبل

۳= ابو عمرو بن العلاء صری، راوی اول او: دوری، و راوی دومش: سوسی

۴= ابن حارث امی. راوی اول می: ابن کوان، و راوی دوم: هشام.

۵= حاصم کوفی. راوی اولش: ابوبکر، و راوی دوشس: حفص.

۶= حمزه کوفی. راوی اول او: خلف بغدادی، و راوی دوم او: خلاء کوفی.

۷= کساء کوفی، که راوی اول می: دوری، و راوی دوم او: ابوحارث بغدادی است.

که نام را در این دو کتاب هم می بینیم و هم تم (= دوری) یکی است و او راوی هر دو قرائت بوده است حافظ با علم تغزیر آن که عینیه آشنا بوده و محمد گلندام در مقدمه دیوان و از حاشیه لسان الغیب بر تفسیر کشف زلف سخن گوید و در آن نیز در تذکره مجمع الفصحاء به تالیف کتابی توسط حافظ در تفسیر قرآن اشاره دارد. از شایسته طایفه متان مؤیدی بر این مطلب رایج کرد:

بخواه در قرآن اشارت کنی
چو وقت بدرت در کشف کشف است

ز حافظان جهان سخن بنده جگر
لطایف حکمی با بیات تو گزین

لسان الغیب علاوه بر علوم قرآنی از علم حکمت و البیات نیز بهره مند بوده است. در تذکره ریاض العارفین آمده است که حافظ در سن حکمت او در محضر شیخ الدین عبداللہ آمنه و محمد گلندام در مقدمه دیوان حافظ نگاشته که خواجہ بہ طالعہ «مطالع» می پرداخت. برخی از پژوهشگران برای عنوان «مطالع» در مقدمه حافظ کتاب طوابع الانوار من مطالع الانظار تالیف بیضاوی اعطای علمی کرده که به سن ۶۸۲ هجری قمری نگاشته شده جمعاً سینه بر این باورند که حافظ از شرح مطالع تالیف قطب الدین از می در علم نظم استفاده برده است جزو اصطلاحات فلسفی و کیمی و پزشکی در اشعار حافظ نشانه آشنایی او با این قبیل علوم است مانند بقلل دور، جوهه فرد بقصور، استدلال تصدیق صوت جسم برینگی

صَوْر، ارکان، پردهٔ غنمی، قانون شفا و ...

حافظ در علوم و فنون ادبی نسیه از سر آمدان مانده خود بوده بطوری که محبت کلند ام در مقصد خود بر دیوان خواجه اورا استاد بخاریر الادباء می خواند و می نویسد که «مفتاح» را مطالعه کرده است. مفتاح العلوم تالیف سکاکی از دیر زمان در شمار کتب درسی متداول در میان پژوهندگان علوم ادبی بوده است و به نوشتهٔ هجوتنه تنها حافظ در ادب پارسی سر آمد بوده، بلکه ادبیات عرب نیز علاقه مند و دو او این شعرای پر آوازهٔ عرب مطالعه کرده است.

مطلب هوش اسلامی بر این باورند که حافظ علاوه بر علوم یاد شده، در فقه اسلامی، علم جان علم عرب، ریاضه، مدال، اجناس، علم هیات، هندسه موسیقی نیز مطالعه عالی داشته و از سخن بسیار خوش نیز بهره دار بوده است که برای هر یک از این موارد می توان نمونه هایی از اشعار حافظ استناد کرد ولی برابر به سیر رسیده ارشدن طلب از نقل آنها پرهیز می کنیم.

ج = علمی معاصر با حافظ

حافظ با بسیاری از علمای پر آوازهٔ شیراز معاصر و احتمالاً معاصر بوده و این اشعار خود از آنها یکی با کمال قبلی:

- ۱ = شیخ مجلدین (متوفای ۷۶۵ ه. ق) که در روزگار حافظ، نه تنها در علم بلکه در شعر نیز از بر عهد او بود.
- ۲ = قاضی عضدالدین (متوفای ۷۶۵ ه. ق) مؤلف موافقت قاضی لقیه ناز، در سینهٔ ابوسعید.
- ۳ = شیخ بهاءالدین (متوفای ۷۸۲ ه. ق) که امام اهل سنت و شیخ جماعت بود. از اشعار او در از عرف (قرب طاعت) استخراج کرده است.

۴ = میر سید شریف جرجانی (متوفای ۸۲۶ ه. ق) که از اساتید حافظ در علم کلام بوده است.

۵= شمس الدین عبدالستد شیرازی که استاد حافظ در علوم حکمی است

۶= قوام الدین عبدالستد شیرازی (متوفای ۷۲۲ هـ.ق) که حافظ از محضر او نیز استفاده کرده است
 او آن کی است که گلندام را به جمع و ری شعا حافظ ترغیب می نموده تا بگوید داشته که «نواید خود را
 حافظ را همه در یک عقد می باید کشید».

دعوی معاصر حافظ

۱= شیخ امین الدین (متوفای ۷۴۵ هـ.ق) که لسان الغیب از او به عنوان «بقیة ابدال» یاد می کنند
 ۲= خواجه جمال الدین استاد الوفا شیرازی که در حق حافظ غایت مآدا داشته است
 ۳= شیخ زین الدین بیادی (متوفای ۷۹۱ هـ.ق) که حافظ را به صاف کردن بیتی در یکی از غزلیات
 او ترغیب کرد تا غمگسای ظاهر برین تنان تقویت و تکفیر او بر آید از بند حافظ مطلب از زبان
 ترسای بی عنوان کرده باشد تا نقل کفر بکفر نباشد:

این حدیثم چه خوش آمد که گفتمی
 بردم که مده می باد فی ترسای
 که مسلمانی ازین است که (حافظ) د
 وای اگر از پس من امروز در دریای

۴= شاه قاسم انوار (متوفای ۸۳۷ هـ.ق) که از معتقدان حافظ و شعرا و ستاره های صبا و ابیات است

۵= برخی از شیخ زین الدین افغانی (متوفای ۸۸۳ هـ.ق) و سید محمد شوشه داعی (متوفای ۸۶۷ هـ.ق)
 و شیخ علی گلگاه (متوفای ۸۷۰ هـ.ق) و شیخ محمود عطار را به عنوان عرفای معاصر حافظ یاد کرده اند
 ولی تحقیقات اهل ادب نشان ادوات که ولادت آنان پس از وفات حافظ بوده است.

۹= شعرای معاصر با حافظ

لسان‌الغیب یاد یوان شاعر بسیاری از غزلهای او توانا و مخموران بلند آواز و پارسی بانان بودند
و گاه یک مصرع یا بیستی از آنان به دوام گرفته و گاه نیز مضامین شعری آنان به شکل بیانی یا
در قالب غزل نیخته است.

مطالعه اشعار کمال‌الدین ابوالعطاء خواجه کرمانی (متوفای ۶۷۹ ه. ق.) عبسیدگان
(متوفای ۷۷۱ ه. ق.)، سلمان ساوجی (متوفای ۷۷۸ ه. ق.) و کمال‌الدین حسن عیسی صفهانی
(متوفای ۶۳۱ ه. ق.) در کمال یافتن شعر حافظ نقش بسزایی داشته‌اند و در دیوان غزلیات او
مستزاد بنوعی بارزی از این تأثیرپذیری دست یافت. او غزلیات بسیاری از
غزلیات شعرائی پرآوازه‌ای چون سعدی شیرازی (متوفای ۶۹۱ ه. ق.) سلمان ساوجی
(متوفای ۷۷۸ ه. ق.)، خواجه کرمانی (متوفای ۶۷۹ ه. ق.)، کمال‌الدین خجندی (متوفای
۸۰۳ ه. ق.)، حکیم سنایی ربوی (متوفای ۵۴۵ ه. ق.)، جلال‌الدین مولی (متوفای ۶۷۲
ه. ق.)، ظهیر ریایی (متوفای ۵۱۸ ه. ق.) و خاقانی شروانی (متوفای ۵۹۵ ه. ق.) سرود
و در نهایت اشادی و هوسرمندی چیرگی خود را در این سداطربح آزمیانی نشان داده است.
مقایسه این گونه آثار حافظ با اشعار دیگران نیاز به فرصت مناسب دارد که درخت سارمانیت در
این مجال کوتاه نمی‌توان آن پرداخت. او با برخی از این شعرائی مانند سعدی و خواجه کرمانی
و حاکمان فارس در روزگار حافظ

فهم‌ترین سألای که باید در زنگین ساند این شاعر آسمانی مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گیرد و شرط
ناشاعدی است که در زمانه او بر اقلیم فارس حاکم بوده بافت اجتماعی و شاکله فرهنگی مردمان

سامان در آن وزگار باید توسط متخصصان جامعه‌شناسی مورد بررسی جدی قرار گیرد تا روشن شود که این شاه‌آرامانی در چنانضای تیره و تاریخی نفس می‌کرده با چنان بلا می‌سایاتی رو به رو بوده است. مهم‌ترین حاکمان وزگار حافظ عبارتند از:

۱= شاه‌شیخ ابوالسحاق (متوفای ۵۷۵۸ ق) که طبعاً مدتی نیم‌سده و سبب ده حافظ از او نیکی یاد کرده است. امیر میرزا بدیع‌الدین (۱۸-۷۶۸) که در قسوت و خون‌ریزی از مغولان و خان‌آشام چینی کم‌نداشته و حافظ در ۳ سال از زندگی خود در زمانه او به سر برده است به دوری ناویریا و وزری ناویریا و عبدجونی نامی بوده، و لشکر خاتم شاه شجاع فرزندش از سلطنت خلع و در چشم او میل کشیده می‌شود. ۳= شاه شجاع (۷۶۶-۷۸۶) از نسل میرمبانشاه است که در آغاز سلطنت به مدارای بامردم می‌پردازد ولی بعد بنیایات بسیاری را ترک می‌کند و در کمال از پرداختن به آن شرم‌آورد و حافظ بنده ۲۶ سال در زمانه او زندگانی کرد.

۴= سلطان‌بن‌العابدین (۷۸۶-۷۸۹) فرزند شاه شجاع که در دوران کوتاه حکومت او همگشای قزاقان همراه بوده سرانجام به دست برادرش شاه منصور و از سلطنت خلع می‌گردد و از آن غیب‌صورتی و در سال از عمر خود را در وزگار او سپری کرده است.

۵= شاه‌بجلی که از سال ۷۸۹ تا ۷۹۵ گاه بر شیراز و گاه بر کرمان نیز حکومت می‌کرده و حاکمیت دستور می‌سپرد به برادره دیگر افراد خاندان آل مظفر قبل می‌رسد و در یک سال از عسکران در زمانه او کشته می‌شود. ۶= شاه منصور (۷۹۰-۷۹۵) که حافظ یک سال اندی با او هم‌وزگار بوده پس از جنگ‌های گریزنا بسیار سرانجام در سال ۷۹۵ به دست یکی از سپاهیان امیرتجویر کشته شد. حافظ از او نیز به نیکی یاد می‌کند.

ز = اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مانده حافظ

در سده هشتم هجری ده تن از اینخانان مغول در ایران حکومت کرده اند ولی سده نهم آنان بیشتر از دیگر سده‌ها

۱ = غازان پسر ارغون شاه (۶۹۴-۷۰۳)

۲ = ابوجای تو معروف به خدا بنده (۷۰۳-۷۱۶) که با مرگ او طومار اقتدار مغولان ایران منتهی شد

۳ = سلطان ابو سعید بجا در خان آخرین اینخان مغول (۷۱۶-۷۳۶) که حافظ در زمانه او دیده است (۲۶۱ هـ ق) و ده سال از سالهای آغازین عمر خود در زمانه او سپری کرده است (تاریخ)

۷۲۱ هـ ق = ابو سعید حاکمی جاه طلب از مندمت و زور و عشرت خواه بوده در زمانه او شورشها و بلشسی بوده ولی سده و ستایشانده می‌انسیه در شاه فساد و تجاوزه بنو آیسیم دم فروگذار کنی

ماجرای امیر سپه چوپان سانی بیک در انداختن و شیخ حسن جلایری و ابو سعید خان مغول و عزت ملک خاتون از زنده نامی سلطان فرمانروایی اوست و عبید کانی در قطعه شری

باطنری گزنده ز روی کار آنان پاره برداشته است

خواجده رشید الدین در جامع التواریخ به طلب ملک ابدیه سده امی شاه می‌کند:

۱... که خدایا پیسره بیوان شکایت برد که تا چند سال کیر درین شهر کیب بچه حلال آده؟

نیاید و تمامت مردم، ترک زاده یکدش (= دوگره) باشند!

یکی از عقل قیام سر بداران باشتین و یارویی و مبارزه با همین بلشسی است، بوده است

کتاب نهضت سر بداران در حسن اسان آمده است:

چرخنق ایلمی مغول خانجیسین، حمزه و حسن حمزه از مردم قریه باشتین منزل کردند و از ایشان شری

شاه طلبیدند و بجاج کردند و بی حرمتی نمودند یکی از دو برادر است در می شراب آورد چون این
 مست شدند شاه طلبیدند و کار فضیحت را به جای رساندند که عورت ایشان خواستند
 و برادر گفتند دیگر تحمل این ننگ انخواهیم کرد، بگذار سر ما به ار رود، شمیر از نیام بر کشید
 و پرچ تن مغول اگشتند و با گروهی اتفاق کرده گفتند اگر توفیق یابیم دفع ظلم ظالمان نیام
 و آاسر خود را بکشیم که در کتاب تقدسی و ظلم را نذریم [

در این در کار سببی و تاسی، آزمندی عالمان در باری و صوفیان بی بند و بار برین
 خانان زبیرت را مینند و تقاضای دینی مردم ساده دل ایشان می گیرد.
 در کتاب شرح حال آثار عین حضرت خاتم

[در روزگار گذشته خلفای اسلام (الفخای اموی و بنی عباس) سببی بن اطلب کردند و
 ایشان می گریختند و اکنون آنچه صدینار امر است روز ما در شان نامت نشینند و با
 به سلام و نود و هسره بار باشد که امر است و جنب نخته باشد پس اگر یک بار بار یا نیند
 بمان بود که حلاک شوند و اگر نمکین مایست که بوسی بردست فاسق نندان ابا که نیند و شرم نند
 شاد روان انجومی شیرازی در مقدمه دیوان حافظ می نگارد:

[در زمانه حافظ خانقاه از محل حدایا شخت و موقوفات عواید فراوان سرشاری است اندو
 «دیوان مین توفات» بیک شیخ خانقاه سالانه ۱۰۶۲۰ دینار نقد و ۲۳۸۲۰ من نان و همین مقدار
 گوشت و صابون اده می شد، و از همین وی کار این گونه شیخ خانقاهی وابسته به دستگار
 حاکم رواج و رونق داشته و طبعاً هیچ کاری آسان و بی زحمت تر از صوفی شدن نبوده است

در زمانه حافظ مشایخ حقیقت پرست نادر و کیاب اند و مشایخ سحرآموز و ماهر افراد مؤثر در پستی
 حال که بحساب می آیند و هر سه محلی (برای تظاہر بر بنداری) چند تن از مشایخ را پوئتمه براه خود آوردند
 و در شیراز نامه می خوانیم:

[باغی باستی و ملک اشرف دو کردنکش اند که جماعتی سپاهی از او باش بر کرد خود دارند
 چون بر قومی رسند فرمان ناراج می دهند. در این ناراج بسیاری از مخدرات و اطفال پیران
 در سینه شینان با پیمال این اقد فطیحه گشتند و ضعیف شریف!... از مسکن نالوفه به در می کشیدند
 و چون کلمه از انواع غارت خان مان سلمانان افشای مغنم و غنایم گشوده داشتند
 کسی به چاشت نداشت بخوار کو به داشت! و آن که چشتر کو به داشت چاشت نداشت!]
 در میان مکاتبه از ابره رشید الدین فضل الله وزیر معروف خان مغول نامملی وجود دارد که با
 خطاب بیکی از عاملان در سینه

[می بایست صد من روغن نغشته با برکت من روغن یا سینه! پنجاه من روغن گل با دم بسید من
 روغن سترن! و میت من روغن زکرس! برای اصفان ایستان خواهی یعنی دار اشفا
 رشیدی از شیراز بفرستد!]

این نمونه ای از غارت اموال و چپاول بیت المال تعدی به مردم فارس است. حکمرانان مغول
 کارگزاران حکومتی آنان است و این اتفاقات ناگوار در روزگاری اتفاق افتاد که مردم
 فارس چیزی برای چاشت ندارند!

در این اوضاع نابسان و شرب الیه و مغولان، شاعر حساس و آزاده انسان و تنی همانند

چگونه می تواند چشم خود را بر این اقیعت های تلخ ببندد بآبی تفاوتی از کن رآنها بگذرد؟
 و فقط به خوردن غزل های عاشقانه بنده کند! و کارزاهدان یابی و صوفیان شکبانه بگذرد!
 پس از ابو سعید بسلسله ایلمخانان مغول ایران و به زوال نهضت دوسر انجام در سال ۷۵۶ هـ.ق
 سلاطین کبیر این حکومت ایران برچسپیده شد و شاعر آسمانی ما حافظ داین به سنگام سی سال بود
 و با چشم خود این جنایع تاریکی را مشاهده می کرد.

نسخه ای که شما در این دانش پژوهان در اختیار دارید، همان نسخه مصححش در و مان
 قزوینی و دکتر غنی است که به توسط خاستگاه منتر مندر جناب آقای سعید زنگساز کتابت شده
 و توسط انتشارات اسوه به یورطبع آاسته گردیده است.

اینجناب به عنوان یک خادم امور فرهنگی که مشر از جهل سال در این روی قدم و مستم فرغم
 بر خود فرض می دانم که از اعضای هیأت مدیره شرکت جاریه انتشارات اسوه خصوصاً
 جناب آقای بابا محمندی مدیر عامل محترم این نهاد استر از و فرهنگی که پاپ و نشرین کونه
 آثار ماندگار و ارزشمند را در اولویت برنامه های فرهنگی خود قرار داده است، بسیار کرم
 و فریدتوفیقات آنان از درگاه ایزد لایزال سئلت نمائیم.

بمنه و کرمه

محمد علی بیگی (پرونده)

۲۳ شهریور ماه ۱۳۸۴